

برنامه ریزی شاخص های مهارت آموزی در آموزش عالی ، درگاهی به سوی کاهش نابرابری های کیفیت آموزشی دانشگاه ها (پژوهش کیفی)

زهرا مصطفی پور^۱

چکیده

پژوهش حاضر به منظور شناخت شاخص های مهارت آموزی در دانشگاه جهت دسترسی برابر به کیفیت آموزش مهارت ها و ارائه مدل مفهومی برابری کیفیت آموزش مهارت ها در آموزش عالی با رویکرد کیفی تحلیل محتوای مضمونی یا تماتیک طراحی گردیده است . میدان تحقیقاتی آن اعضای هیات علمی و صاحب نظران مراکز تحقیقاتی بودند . این پژوهش با استفاده از روش کیفی تحلیل محتوا انجام گرفته است که به منظور تجزیه و تحلیل آن از سه مرحله کدگذاری استفاده گردید. برای این منظور تعداد ۲۱ نفر از طریق نمونه گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شد. برای جمع آوری اطلاعات از مصاحبه های نیمه ساختاریافته استفاده شد که به منظور تجزیه و تحلیل آن از سه مرحله کدگذاری استفاده گردید. جهت روایی آن از صاحب نظران مربوطه بهره گرفته شده است و برای پایایی آن با کدگذاری شش مصاحبه ، توافق یا هم خوانی با ضریب توافق ۰/۸۹ محاسبه گردید. نتایج نشان داد ؛ جهت ایجاد برابری کیفیت مهارت آموزی در دانشگاه ها ، می توان به سه مرحله فرایند، خروج و بعد از خروج از دانشگاه ها و نه شاخص برنامه درسی مناسب ، امکانات آموزشی ، ارزشیابی درست ، رضایت دانش آموخته و استاد از مهارت آموزی دانشگاهی ، آموزش های تکمیلی و مهارتی ، اشتغال مرتبط با رشته تحصیلی ، کارآفرینی و اشتغال زایی، رضایت کارفرما و آموزش های ضمن کار اشاره کرد.

کلید واژه ها : مهارت آموزی ، کیفیت ، برابری ، آموزش عالی

۱ عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور واحد تایباد، خراسان رضوی، ایران

آموزش عالی یکی از مهم‌ترین نهادها به منظور آموزش، توسعه و تامین منابع انسانی و رکن اصلی در پیشرفت همه جانبه هر کشور است. این نهاد، کارکردها و وظایف عمده‌ای در خصوص رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تربیتی جوامع دارد و به عنوان یک نهاد ساختارمند، نیازمند ملاحظه علمی تمام بخش‌ها و جنبه‌های مختلف آن است. (ایزدی، صالحی و قره‌باغی، ۲۰۰۸). توسعه پایدار این نظام مستلزم رشد موزون و متعادل در هر دو بعد کمی و کیفی به موازات یکدیگر است. گسترش کمی نظام آموزش عالی، بدون توجه به توسعه کیفی، پیامدهایی همچون افت تحصیلی، تحلیل رفتگی آموزشی، وابستگی علمی، فرار مغزها، نبود کارآفرینی و ضعف تولید علم را در پی خواهد داشت. (حتامی فر، کاکوچوباری و سرمادی، ۲۰۱۴). صرف دارا بودن کیفیت برخی دانشگاه‌ها، کیفیت نیروهای کاری آینده تضمین نمی‌شود زیرا سازمانها به فراخور شرایط مکانی و زمانی خود از همه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها برای جذب نیرو استفاده می‌کنند. و نیروی کاری به تناسب عدم کیفیت‌های دانشگاهی، متفاوت خواهد بود. (هاروی، ویلیامز و دیل، ۲۰۱۲)

یکی از موارد کاستی‌ها و معایب نظام آموزش عالی کشور ما، مسئله نابرابری کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها است. رسالت اصلی آموزش، توان بخشیدن به فرد فرد انسان‌ها، جهت توسعه کامل استعدادها و نیز شناخت توانمندی‌های خلاق خویش است. و این هدف بر سایر اهداف آن ارجحیت دارد. حصول این هدف هرچند دشوار و طولانی است، اما در جهت جستجوی جهانی عادلانه‌تر و بهتر برای زیستن، ضروری محسوب می‌شود. (پورپاکی، ۱۳۹۳) بر همین اساس به منظور افزایش سطح ارتقاء کیفیت آموزش مهارت‌ها در دانشگاه‌ها، توجه به برابری و ایجاد فرصت‌های کیفیت آموزش عالی مسئله‌ای مهم است.

کیفیت اتفاقی نیست و تابع شرایط و عوامل خاصی است و راه‌های منحصر به فردی را می‌طلبد مثلاً یکی از راه‌های ارتقای کیفیت در دانشگاه‌ها این است که نظرات، خواسته‌ها و نیازهای جامعه شناخته شود و دانشگاه به طور کلی در آن راستا حرکت و با آن سازگار شود. (لی، ۲۰۱۰).

در حال حاضر نابرابری‌های آموزشی، یکی از مقولات بسیار مهم در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی است که سهم و نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش و بهبود آموزش دارد. (شیرکرمی و بختیار پور، ۱۳۹۳) دسترسی به آموزش عالی اشاره به فرصت ورود به آموزش عالی دارد، هرچند یک تضمین برای کیفیت در آموزش عالی

^۱Izadi, Salehi & Gharebaghi

^۲Hatamifar, kakoojooybari & sarmadi

^۳Harvey, Williams & Dill

^۴Li

نمی باشد. (هوریو مک گراس او همکاران ، ۲۰۱۴). از نظر پرودن (۲۰۱۵) . دسترسی به آموزش عالی موضوعی بسیار قابل توجه با پیامدهای مستقیم در سیاست های آموزشی ، توسعه بازار کار و کیفیت زندگی است. هر جا که نابرابری های آموزشی به حد اعلاى خود برسد آهنگ توسعه نیز کاهش پیدا خواهد کرد. تفاوت و نابرابری در آموزش مهارت های دانشگاهی به منظور جذب و ارائه خدمات شایسته در محیط های کاری ، از دغدغه های اصلی مدیران و کارفرمایان در بازار کار است.

امروزه مسئله برابری در آموزش عالی، رهبران آموزشی را با چالش روبه رو کرده است و آنها تلاش می کنند به اصل برابری در سیاست های آموزشی خود توجه کنند. (ژو لینکلن ۸ ، ۲۰۱۵)

مراد از برابری آموزشی ، وجود فرصت های برابر آموزشی برای آحاد جامعه است تا دور از هر گونه فشار مالی ، اجتماعی یا فرهنگی خود را برای مشارکت فعالانه و همه جانبه در جامعه آماده سازند. تساوی فرصت های آموزشی به خودی خود یک هدف نیست بلکه وسیله ای برای کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی است. برابری در موفقیت و دسترسی دو مقیاس اساسی از برابری در فرصت ها و امکانات آموزشی است. برابری در دستیابی به موفقیت ، جنبه کیفی فرصت را منعکس می کند . از سوی دیگر برابری در دسترسی ، جنبه کمی برابری فرصت را نشان می دهد. (تومال ۲۰۱۱۹).

اکنون مشکل اصلی ، عدم توسعه یافتگی کیفی مورد نیاز دانشگاه ها ، به منظور ایجاد مهارت های لازم در دانش آموختگان دانشگاه هاست . به طوری که دانشگاه های مختلف سطوح متفاوتی از کیفیت مهارت ها را ارائه می دهند و حتی گاهی برخی از آنان به حد اولیه کیفیت نرسیده اند. این گوناگونی سطوح مختلف کیفیت آموزش مهارت ها در دانشگاهها منجر به ایجاد فارغ التحصیلانی با دانش و مهارت هایی در سطوح بالا، متوسط و ضعیف شده است که در بسیاری از موارد پاسخگوی نیازهای بازار کار نمی باشد.

نیروی انسانی ماهر و متخصص جامعه در سایه برابری کیفیت آموزش در دانشگاه های سراسر کشور تامین خواهد شد. اگر کیفیت آموزش در دانشگاه های مناطق محروم و غیر محروم مورد توجه قرار نگیرد به ناچار تامین نیروی انسانی آن مناطق از دانش آموختگانی خواهد بود که فاقد مهارت های لازم هستند . توجه به ابعاد کیفیت آموزش در دانشگاه های سراسر کشور رشد و توسعه همه جانبه را بدنبال خواهد داشت .

اکنون کشور ما در بسیاری از مواقع شاهد خیل عظیم فارغ التحصیلان دانشگاهی در مقاطع کارشناسی، ارشد و دکتری هست که هر کدام از این ها به لحاظ سطح کیفی آموزش مهارت ها ، تفاوت های بارزی با یکدیگر

داشته اند. این مهم در دانشگاه های مختلف دنیا نیز دیده شده است. لذا دانشگاه ها به دنبال کاهش تفاوت های کیفی در کنار سایر نابرابری ها هستند.

مبانی نظری

برابری در آموزش مهارت ها به این معنی است که سیستم های آموزشی، فرصت های آموزشی برابر برای همه دانشجویان فراهم کنند. در نتیجه، دانشجویان با وضعیت اجتماعی و اقتصادی، جنسیت یا مهاجرت و با پیش زمینه خانوادگی مختلف به سطوح مشابهی از عملکرد تحصیلی در حوزه های شناختی کلیدی مانند خواندن، ریاضیات، کسب علم و مهارت ها، سطوح مشابه رفاه اجتماعی و عاطفی در عرصه های مانند رضایت از زندگی، اعتماد به نفس و ادغام اجتماعی در طول تحصیلات خود برسند بعضی از محققان، برابری را به عنوان مهم ترین نگرانی در آموزش عالی می دانند. (پاسکو، کاردوسی، کانتز و گیلدرسلو، ۲۰۱۳). بخش های آموزش عالی در حال تلاش برای یافتن یک فرمول هستند که به همه اجازه دسترسی به سیستم تأمین مالی پایدار برای ارائه خدمات با کیفیت بالا جهت ایجاد مهارت های یکسان در دانشجویان را بدهد. (میرزا، ۲۰۱۳). واقعیت این است که گسترش سیستم لزوماً به معنای افزایش فرصت برای جمعیت های محروم نیست. به طور قابل توجهی، رشد پدیده آموزش عالی در سطح جهانی بعد از جنگ جهانی دوم برای طبقه متوسط بوده است و طبقه محروم از این گسترش مراکز آموزشی عالی بهره زیادی نبردند (بیس، ۲۰۱۳). اگر شرایط کیفیت آموزش در دانشگاه ها یکسان شود نابرابری های ناشی از کسب دانش، مهارت و بدنبال آن اشتغال و میزان درآمد، بهتر خواهد شد. (جکوبس، ۲۰۱۳).

ابا صلت خراسانی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان طراحی الگوی بررسی کیفیت دانشگاه های دولتی ایران بر اساس مدل های رایج کیفیت، به این نتیجه دست یافت که پنج عامل استاد، برنامه درسی، محیط درونی دانشگاه، ارزیابی دانشگاه و سازمان دانشگاه از عوامل تفاوت کیفیت آموزش در دانشگاه های ایران می باشد.

در پژوهشی که توسط تقوی نیا و سهرابی (۱۳۹۴) با عنوان مفهوم کیفیت در سیستم آموزش ، مدیران آموزشی درباره ی چستی مفهوم کیفیت در آموزش ، هفت تم با مولفه را شناسایی نمودند که عبارت بودند از : عملکرد اعضای هیات علمی ، وجود برنامه درسی ، وجود برنامه برای اجرای برنامه درسی ، فراگیر با انگیزه ، ارائه خدمات مورد رضایت مشتری ، وجود نیروی انسانی مجرب و متخصص و انجام ارزیابی درونی .

پژوهشی در سال ۱۳۹۵ توسط ابوالقاسمی ، زارعی و احمد زاده با عنوان " مقایسه مراکز یادگیری دانشگاهی در سطح جهانی با مراکز یادگیری دانشگاهی در ایران " به لحاظ نابرابری های آموزشی صورت گرفت. نتایج نشان داد تفاوت بین مراکز یادگیری دانشگاهی در سطح جهانی و مراکز یادگیری دانشگاهی موجود در ایران از نظر محتوای آموزشی ، محیط فیزیکی ، نیروی انسانی ، تشکیلات ، رسانه ها ، مواد و تجهیزات معنی دار می باشد.

میزیکاچی (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان " رویکرد سیستمی به مدل ارزیابی برنامه برای کیفیت در آموزش عالی ، ملاک هایی جهت افزایش کیفیت آموزش تعیین نموده است . از جمله این ملاک ها عبارتند از : تعیین ملاک ها برای ارزیابی برنامه ، تعریف ذینفعان ، تحلیل منابع درونداد ، تعریف منابع مورد نیاز ، جمع آوری اطلاعات و توسعه برنامه .

تحقیقی در کشور استرالیا در سال ۲۰۱۷ در مورد برابری مهارت ها و بازده های فارغ التحصیلان دانشگاه ها در بازار کار با پیشینه های مختلف انجام شد . نتایج تحقیق نشان داد بین فارغ التحصیلان دانشگاه ها در مناطق مختلف استرالیا به لحاظ جذب بازار کار و مهارتهای خروجی های دانشگاه ها تفاوت وجود دارد . همچنین طبق نتایج انگیزه بیشتری در بازار کار در قبال افزایش برابری کیفیت سرمایه های انسانی ایجاد می شود . (لی ، ماهوتی ، دوکری و جونانکار ۱۳ ، ۲۰۱۷)

مقاله ای در کشور سوئد در سال ۲۰۱۸ در خصوص برابری جنسیتی و برابری نیروی کار توانمند در ارتباط با آموزش عالی منتشر شده است . در این تحقیق ، ضمن برابری حضور زنان در آموزش

عالی به مسئله توجه به خروج نیروهای انسانی دانشگاه‌ها به عنوان شهروندان مورد نیاز جامعه تاکید شده است. (اوکنا - امگنا ، اشتراوس ۲۰۱۸)

جوزف فائولو همکاران (۲۰۱۸) در قسمتی از تحقیق خود در خصوص برابری درآمدهای شرکت‌ها بواسطه درآمدهای فردی ناشی از یادگیری و آموزش دانشگاهی اشاره نموده‌اند. و بیان نموده‌اند در صورتی که عدالت و برابری در آموزش وجود داشته باشد درآمدهای فردی یکسان و بواسطه آن درآمدهای شرکت‌ها متعادل تر می‌شود.

در تحقیقی که توسط روزاریو (۲۰۱۹) در بنگلادش با عنوان " عدالت آموزشی در دانشگاه‌ها " به جنبه‌های مختلف عدالت بخصوص بحث محتوا و یادگیری‌های آموزشی در دانشگاه‌ها پرداخته شده است که در نهایت در صورت رعایت، منجر به یکسانی مهارت‌ها در بازار کار می‌شود.

در سال ۲۰۲۰ رساله دکتری توسط عبدالله احمدلار مصر انجام گرفته است که طی آن تاثیر کیفیت در توانایی‌های مهارتی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و نیاز بازار کار کشور مصر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داده است که بین نیازهای بازار کار و مهارت‌های اکتسابی در دانشگاه‌ها تفاوت زیادی وجود دارد. اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها پیشنهاد داده‌اند که نیازهای آموزشی دانشگاه‌ها جهت ارائه مهارت‌ها می‌بایست منطبق بر نیازهای بازار کار باشد.

همان‌گونه که پیشینه تحقیق نشان می‌دهد تمامی تحقیقات انجام گرفته در داخل و خارج از کشور، به مسئله کیفیت، برابری و آموزش دانشگاهی به صورت مجزا و جداگانه پرداخته‌اند. مسئله کیفیت و برابری در تحقیقات داخلی و خارجی همواره دغدغه اصلی محققان بوده است. لیکن پرداختن به مسئله برابری کیفیت آموزش مهارت‌ها و تلاش برای افزایش آن در دانشگاه‌های ایران و تحقیقات خارجی کمتر مورد توجه بوده است.

علی‌رغم وجود این واقعیت که همواره نابرابری‌های کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها وجود دارد اما برابری کیفیت آموزش مفهومی است که چندان شناخته شده نیست و پژوهش‌های کمی در این زمینه صورت گرفته است. این در حالی است که نابرابری کیفیت در بخش آموزش و یادگیری

Ökenwa_Emgwa& Strauss

'Faello

'Rozario

'Abdella Ahmad

مهارت های دانشگاهی گسترده شده است ولی عمدتاً توسط پژوهشگران نادیده انگاشته شده است. اگرچه نابرابری های آموزشی در دانشگاه ها مورد تصدیق قرار گرفته است اما اغلب پژوهشگران از کنار نابرابری کیفیت آموزش دانشگاه ها که منجر به خروجی های نابرابر می گردد؛ با بی توجهی گذشته اند.

از منظر نظری، مطالعات مربوط به نابرابری های آموزشی در سال های اخیر به خصوص در زمینه نابرابری های کیفی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. از طرفی شکاف موجود بین نظریه و عمل که در مسائل مربوط به نابرابری های آموزشی وجود دارد سبب شده است تا توجه به مفهوم نابرابری های آموزشی بیشتر گردد. این پژوهش با استناد به مطالعات موجود سعی دارد یک الگو بر اساس شرایط حاکم بر دانشگاه های کشور تدوین نماید. به بیان دیگر تمرکز این پژوهش به خصوص در بخش کیفی بدنبال ارائه الگو جهت توسعه برابری کیفیت آموزش مهارت های دانشگاه هاست.

حضور غیر آشکار نابرابری کیفیت آموزش در دانشگاه های ایران و همچنین معنا و اثر آن بر عملکرد دانشگاهی به طور کامل شناخته نشده است. در نتیجه شناسایی عوامل مربوط به برابری کیفیت آموزش و بررسی تاثیر آن بر عملکرد دانشگاهی می تواند زمینه بهتری برای تصمیم گیری و تبادل دانش و اطلاعات دانشگاهی فراهم آورد. بهبود فرایند تصمیم گیری در خصوص توسعه کمی و کیفی دانشگاه ها منوط به شناخت عواملی است که کیفیت آموزش را ایجاد می کند.

از این رو می بایست توجه جدی به این موضوع در دانشگاه های ایران توسط سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزشی صورت گیرد و راه حل های منطقی و خلاقانه ای جهت رفع مشکل نابرابری کیفیت آموزش در نظر گرفته شود.

با توجه به آنچه گفته شد سوالات پژوهشی این تحقیق به صورت زیر مطرح می شود :

- مهارت آموزی در آموزش عالی طی چه مراحل ایجاد می شود؟
- شاخص های برابری کیفیت آموزش مهارت ها در آموزش عالی کدام اند؟
- الگوی برابری کیفیت مهارت آموزی در آموزش عالی ایران چگونه است؟

روش پژوهش

از نظرهدف، پژوهش حاضر از نوع کاربردی توسعه‌ای می‌باشد. زیرا از طریق آن می‌توان نابرابری‌های کیفیت آموزش مهارت‌ها را کاهش داد و به سمت افزایش برابری کیفیت مهارت‌آموزی گام نهاد. از طرفی به منظور برطرف نمودن این نابرابری‌ها، الگوی برابری کیفیت مهارت‌آموزی را ارائه می‌دهد که از طریق آن می‌توان نابرابری‌ها را کاهش داد و به سمت افزایش برابری کیفیت مهارت‌ها و در نهایت یکسانی دانش‌ها و مهارت‌های اکتسابی دانشگاه‌ها حرکت کرد.

جامعه مورد مطالعه این پژوهش، کلیه افراد مطلع در خصوص برابری کیفیت آموزش در آموزش عالی می‌باشد. بنابراین نمونه مورد مطالعه از بین صاحب نظرانی انتخاب گردید که در ارتباط با موضوع کیفیت آموزش مهارت‌ها دارای سوابق علمی و پژوهشی بوده‌اند و در مراکز تحقیقاتی مربوط به آموزش عالی مثل موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، مرکز تحقیقات و ارزیابی آموزش عالی سازمان سنجش، موسسه ارزیابی آموزش عالی دانشگاه تهران مشغول به کار بوده‌اند علاوه بر آن، اعضای هیات علمی برخی دانشگاه‌ها نیز مورد مصاحبه قرار گرفتند به منظور جمع‌آوری داده‌ها تعداد ۲۱ نفر از طریق نمونه‌گیری هدفمند و زنجیره‌ای تا اشباع نظری و به صورت نیمه ساختار یافته مورد مصاحبه قرار گرفت که در جدول شماره ۱ مشخصات این افراد نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱: مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	درجه علمی	پست سازمانی	رشته تحصیلی	محل خدمت	سابقه خدمت
۱	استادیار	هیات علمی اجرایی	برنامه ریزی آموزش عالی	موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی	۷ سال
۲	دانشیار	هیات علمی اجرایی	اقتصاد آموزش عالی	موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی	۲۰ سال
۳	دانشیار	هیات علمی اجرایی	مدیریت آموزش عالی	موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی	۳۰ سال
۴	دانشیار	هیات علمی اجرایی	اقتصاد آموزش عالی	موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی	۱۲ سال
۵	استاد تمام	هیات علمی	آموزش عالی در کشورهای جهان سوم	دانشگاه تهران	بالای ۳۰ سال

ردیف	درجه علمی	پست سازمانی	رشته تحصیلی	محل خدمت	سابقه خدمت
۶	استادیار	هیات علمی	برنامه ریزی آموزش عالی	دانشگاه تهران	۶ سال
۷	استاد تمام	هیات علمی	سیاستگذاری و برنامه ریزی در آموزش عالی	دانشگاه شهید بهشتی	بالای ۳۰ سال
۸	دانشیار	هیات علمی	برنامه ریزی درسی	دانشگاه فردوسی مشهد	۱۵ سال
۹	استادیار	هیات علمی	اقتصاد آموزش	دانشگاه علامه طباطبایی	۴ سال
۱۰	استادیار	هیات علمی	زبان شناسی	دانشگاه بزرگمهر قائن	۱۰ سال
۱۱	استادیار	هیات علمی	برنامه ریزی درسی	دانشگاه بیرجند	۱۶ سال
۱۲	استادیار	هیات علمی اجرایی	مدیریت آموزشی	مرکز تحقیقات ، ارزشیابی ، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی سازمان سنجش کشور	۸ سال
۱۳	کارشناسی ارشد	کارشناس پژوهش	فلسفه تعلیم و تربیت	مرکز تحقیقات، ارزشیابی ، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی سازمان سنجش کشور	۹ سال
۱۴	استادیار	هیات علمی	برنامه ریزی آموزشی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام	۱۴ سال
۱۵	دانشیار	هیات علمی	مدیریت آموزشی	دانشگاه فردوسی مشهد	۲۱ سال
۱۶	استادیار	هیات علمی	مدیریت تکنولوژی آموزشی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تایباد	۱۸ سال
۱۷	استادیار	هیات علمی	برنامه ریزی درسی	پیام نور واحد قدمگاه نیشابور	۱۴ سال
۱۸	دانشیار	هیات علمی	برنامه ریزی آموزش از راه دور	دانشگاه شهید چمران اهواز	۱۶ سال

ردیف	درجه علمی	پست سازمانی	رشته تحصیلی	محل خدمت	سابقه خدمت
۱۹	استادیار	هیات علمی	برنامه ریزی درسی	پیام نور واحد مراغه	۱۱ سال
۲۰	استادیار	هیات علمی	فلسفه تعلیم و تربیت	دانشگاه ارومیه	۱۱ سال
۲۱	مربی	هیات علمی	مدیریت آموزشی	پیام نور واحد ایرانشهر	۹ سال

جهت تعیین روایی مصاحبه‌ها از روایی تئوریک استفاده شد. استراتژی در این خصوص جهت ارتقاء روایی تئوریک دریافت نظرات همکاران علمی باشد. به منظور تعیین پایایی مصاحبه‌ها از روش پایایی بین دو کدگذار استفاده شد. که میزان پایایی آن برابر با ۸۹ درصد بدست آمد. روش مورد استفاده به منظور دستیابی به مولفه‌های الگوی مورد نظر، روش تحلیل محتوای مضمونی یا تماتیک می‌باشد. در این روش تلاش بر این است تا با کدگذاری باز، محوری و زمینه‌ای، مقولات محتوایی موجود در محتوای مصاحبه‌ها، شناسایی و استخراج شود.

یافته‌ها

با استفاده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام گرفته و بررسی پیشینه تحقیق سه مرحله و نه شاخص شناسایی شده است که به شرح ذیل می‌باشد.

با توجه به سوال اول پژوهش یعنی: مهارت آموزی در آموزش عالی طی چه مراحل ایجاد می‌شود؟ می‌توان مراحل را این‌طور بیان کرد:

مرحله فرایند

این مرحله شامل تمامی فعالیت‌های منجر به یادگیری دانشجویان از دانش و مهارت وی می‌باشد که از بدو ورود دانشجویان به دانشگاه تا لحظه خروج را در بر می‌گیرد. در مرحله فرایند عواملی چون برنامه درسی مناسب، امکانات آموزشی و ارزشیابی دقیق توسط اعضای هیات علمی به منظور افزایش برابری کیفیت آموزش مهارت‌ها در نظر گرفته شده است. یکی از اعضای هیات علمی در خصوص مرحله فرایند این‌طور بیان کردند: "تفاوت‌ها در ورودی‌های دانشگاه‌ها وجود دارد؛ این هنر دانشگاه است که در مرحله فرایند آموخته‌های دانشجویان را به حدی از

استاندارد و یکسانی برساند. مرحله فرایند از طریق برنامه درسی متناسب با رشته و ارزشیابی دقیق از آن می تواند مهارت ها را در دانشجویان ایجاد کند. این برنامه درسی می بایست آخرین نیازهای آموزشی را در خصوص انواع مهارت ها در بر می گیرد.

مرحله خروج

منظور از مرحله خروج شرایطی است که می توان جهت تکمیل مرحله فرایند به منظور افزایش سطح برابری کیفیت آموزش مهارت در خصوص دانشجویان انجام داد به طوری که منجر به آمادگی آنان جهت خارج شدن از دانشگاه شود. اعضای هیات علمی و صاحب نظران، عواملی چون رضایت دانشجو از یادگیری دانشگاهی، رضایت اساتید، ارائه دروس تکمیلی و مهارتی به هنگام خروج را برای این مرحله در نظر گرفته اند. یکی از صاحب نظران در این زمینه گفته است: " هنگام خروج از دانشگاه در صورتی که احساس شود برخی از دانشجویها در برخی دروس ضعیف هستند مثل دروس مهارتی بهتر است جهت افزایش کیفیت، آموزش های تکمیلی انجام گیرد. کنترل معدل بالا در مرحله خروج مهم است و می بایست بر مبنای کیفیت برابر باشد. البته که خروج دانشجو با معدل پایین در برخی دانشگاه ها نشان ضعف علمی نیست اما می بایست رضایت استاد از آموخته های دانشجو و حتی رضایت خود دانشجو در مرحله خروج مد نظر قرار گیرد "

مرحله بعد از خروج

به منظور افزایش سطح مهارت های دانش آموختگان دانشگاهی، در مرحله بعد از خروج، عواملی چون اشتغال مرتبط با رشته تحصیلی، کارآفرینی و اشتغال زایی، رضایت کارفرما و آموزش ضمن کار مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. یکی از اعضای هیات علمی در این زمینه این طور بیان کرده اند: " اگرچه مرحله بعد از خروج، زمان برای افزایش سطح مهارت های دانشگاهی تمام یافته است، در صورتی که شرایط بازار کار و جذب آن بر اساس رشته تحصیلی فرد صورت گیرد و یا شرایط اشتغال بهتر باشد می توان مهارت آموزی در دانشگاه ها را با انگیزه بهتری انجام داد. "

سوال دوم پژوهش: شاخص های برابری کیفیت آموزش مهارت در دانشگاه ها کدام اند؟

شاخص اول: برنامه درسی مناسب

این شاخص در برگیرنده دروس مورد نیاز برای هر رشته درسی و ارائه انواع واحد های درسی به صورت تئوری — عملی، استفاده از روش تدریس متناسب با مهارت، ایجاد شرایط واقعی فرصت های کار در دانشگاه ها می باشد. یکی از صاحب نظران در این زمینه می گوید: " در رشته ها و دروس مهارتی، جهت افزایش کیفیت و برابری آن در دانشگاه های مختلف در کنار ارائه دروس نیازمند فعالیت های فوق برنامه نظیر شرایط واقعی کار در قالب برنامه های مهارتی هستند." این بعد از شاخص های مربوط به کیفیت آموزش با نتایج تحقیقات گیرگوری (۱۹۹۸) شانگ گائو (۲۰۱۵)، پرودن (۲۰۱۵)، مالایز (۲۰۱۴) انطباق دارد.

شاخص دوم: امکانات آموزشی

امکانات آموزشی شامل دارا بودن فضا و ساختمان آموزشی، کتابخانه و آزمایشگاه های مربوط به رشته های تحصیلی دایر در دانشکده یا مرکز موسسه آموزش عالی و استفاده از مواد و رسانه های جدید می باشد. یکی از مصاحبه شوندهگان در این زمینه چنین بیان نمود: " امکانات دانشگاهی خود از نبرابری های بین دانشگاه ها به صورت واضح می باشد به طوری که افراد، بیشتر جذب دانشگاه های با امکانات و تجهیزات بهتر می شوند و این مسئله خودش روی آموزش های کیفی یادگیرندگان تاثیر دارد." یکی دیگر از اعضای هیات علمی این طور بیان کرد: " اگر ما بخواهیم دانشگاه های دارای کیفیت داشته باشیم به لحاظ امکانات و تجهیزات و سایر عوامل می بایست مساوات و برابری را برقرار کنیم. وقتی آزمایشگاه شیمی نداریم مسلماً با دانشجویی که در دانشگاه دارای امکانات درس خوانده است این تفاوت کیفیت آموزش، محسوس می باشد." نتایج مربوط به این شاخص با نتایج تحقیقات متوسلی و آهنچیان (۱۳۹۰)، بیکر و لیانچ (۲۰۰۴)، ووس و همکاران (۲۰۰۷)، تسینیدو و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

شاخص سوم: ارزشیابی دقیق

با توجه به تحلیل محتوای مصاحبه ها، ارزشیابی دقیق همراه با عواملی چون معدل دانشجو به هنگام اتمام دوره تحصیل و اتمام به موقع تحصیلات دانشگاهی در نظر گرفته شد. ارزشیابی در این زمینه، شامل ارزشیابی ملاکی است نه هنجاری. آنچه در این خصوص آمده است: " بسیاری از ورودی های ما به حد قابل قبول جهت شروع تحصیلات دانشگاهی نرسیده اند چون کنکور در برخی دانشگاه ها حذف شده است و داوطلبان بر اساس سوابق تحصیلات دوره متوسطه

وارد دانشگاه ها می شوند. یکی از صاحب نظران گفته است: " کیفیت تا حد زیادی تابع ورودی های دانشگاه هاست. دانشجویی که در مقطع متوسطه قوی بوده است، در دوران دانشجویی هم قوی و با انگیزه است. اما می توان تا حد رسیدن به یک استاندارد و در نظر گرفتن آخرین حد مبتنی بر ملاک نه به صورت مقایسه ای و هنجاری از وی ارزشیابی به عمل آورد." این شاخص با تحقیقات نادری (۱۳۸۷)، معروفی (۱۳۹۰) و هال (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

شاخص چهارم: رضایت دانشجو و استاد

این شاخص از رضایت دانشجو از یادگیری های دانشگاهی و رضایت اساتید از یادگیری های دانشجو تشکیل شده است. در صورتی که دانشجو و استاد تشخیص دهد که فرد به حدی از یادگیری دانش و مهارت نرسیده است، می توان به ارائه دروس تکمیلی پرداخت. این شاخص با نتایج تحقیقات روزا و همکاران (۲۰۰۴)، لن و همکاران (۲۰۱۷) و امگ و واشتراوس (۲۰۱۸) منطبق است.

شاخص پنجم: ارائه دروس مهارتی و تکمیلی

این شاخص در برگیرنده ارائه دروس مهارتی و تکمیلی به هنگام اتمام و خروج از دانشگاه در صورت عدم رضایت دانشجو و استاد از یادگیری های دانشگاهی می باشد. یکی از اعضای هیات علمی مصاحبه شونده در این خصوص این طور بیان کرده است: " در صورتی که در مرحله خروج، دانشگاه به هر دلیلی متوجه شود که دانشجو و استاد از میزان یادگیری های دانشگاهی رضایت ندارند یا تشخیص داده شود که دانشجو به حد لازم جهت ورود به بازار کار نرسیده است، ارائه دروس تکمیلی و یا قبل از آن ارائه دروس پیش نیاز می تواند روی کیفیت آموزش مهارت ها تاثیر گذارد." نتایج این قسمت با هارمن (۱۹۹۸)، بیکر و لیانچ (۲۰۰۴)، دانشگاه والنسیا (۲۰۰۹)، چسترز و واتسون (۲۰۱۳)، استنسیکر و لیبر (۲۰۱۵) و استاماناس و همکاران (۲۰۱۷) هم خوانی دارد.

شاخص ششم: اشتغال

اشاره به وضعیت اشتغال بعد از فارغ التحصیلی دارد. در صورتی که شرایط کار و اشتغال برای دانش آموختگان دانشگاهی فراهم باشد مسلماً کیفیت آموزش مهارتها و انگیزه یاد گیری در دوره تحصیل بهتر خواهد بود. فراهم بودن شرایط اشتغال مرتبط با رشته تحصیلی، انگیزه یادگیری

مهارت‌ها را برای دانش‌جو فراهم می‌کند. نتیجه تحقیق تسنیدو و همکاران (۲۰۱۰) و هال (۲۰۱۵) با این شاخص همراه است.

شاخص هفتم: کار آفرینی و اشتغال زایی

در این شاخص همراهی و پشتیبانی علمی دانشگاه، فراهم بودن شرایط و بستر جامعه جهت کار آفرینی مثل حمایت دولت از کار آفرینان از مهم‌ترین عوامل ایجاد کیفیت در مهارت‌های دانشگاهی است که مد نظر اعضای هیات علمی قرار گرفته است. نتایج تحقیقات کیونگ جیا (۲۰۱۳)، هال (۲۰۱۵) و شانگ گائو (۲۰۱۷) این مهم را تایید می‌کند.

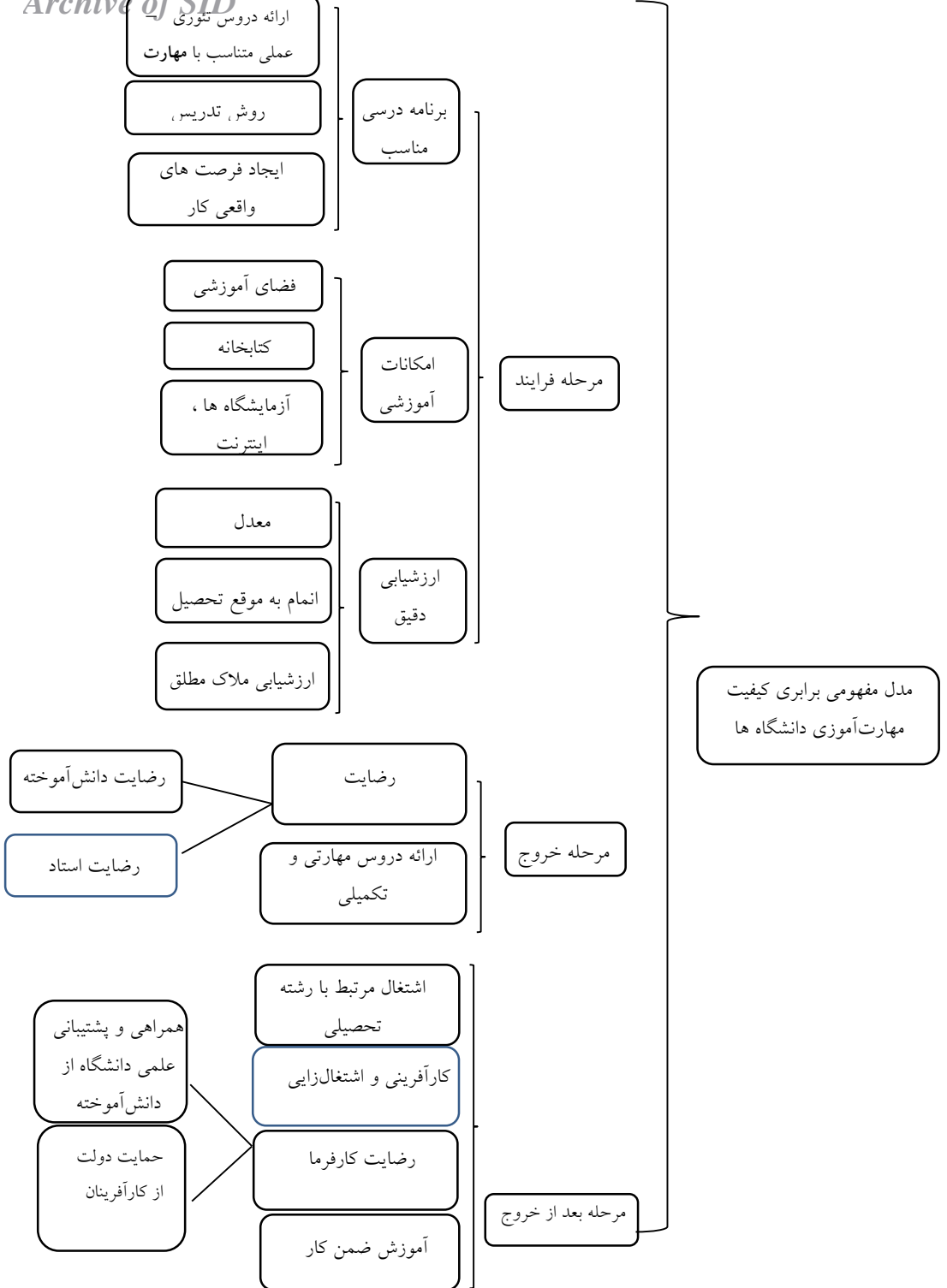
شاخص هشتم: رضایت کارفرما

بررسی میزان رضایت کارفرما بعد از استخدام دانش‌آموختگان دانشگاهی و توجه به نحوه انجام کار و خدمات رسانی دانش‌آموخته از مواردی است که اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها در خصوص افزایش برابری کیفیت مهارت‌آموزی مطرح نموده‌اند. لذا می‌بایست بین دانشگاه‌ها به لحاظ کیفیت ارائه آموزش‌ها و مهارت‌ها برابری وجود داشته باشد. یکی از اعضای هیات علمی در این زمینه بیان کرده است: "مسئله کارفرمایان، دانش‌آموخته دانشگاه‌های برتر را می‌پسندند چون به لحاظ سطح دانش و مهارت و برخورداری از امکانات بهتر آموزشی در دوره تحصیل، نسبت به دانشگاه‌های کم‌امکانات، قوی‌تر و بهتر هستند." ماک (۲۰۰۲)، پرودن (۲۰۱۵) امگ و واشتراوس (۲۰۱۸) و جوزف فانلو (۲۰۱۸) در زمینه نابرابری‌های بخش اشتغال مطلب فوق را تایید می‌کند.

شاخص نهم: آموزش‌های ضمن کار

مسلم است که هر چقدر یادگیری‌های دانشگاهی دقیق و کامل باشد، باز هم نیاز به آموزش‌های حین کار بدلیل تغییرات سریع شرایط جامعه و ایجاد موقعیت‌های جدید در محل کار احساس میشود. آموزش‌های ضمن کار تمامی نواقص آموزش‌های دانشگاهی را مرتفع و نیرو را برای ارائه کار با مهارت بالا فراهم می‌نماید. نتایج این قسمت با نتایج آوادانانی (۲۰۲۰) مطابقت دارد. اکنون با توجه به بررسی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، الگوی برابری کیفیت مهارت‌آموزی در دانشگاه‌ها با شکل زیر نمایش داده می‌شود (سوال سوم پژوهش: الگوی برابری کیفیت مهارت‌آموزی دانشگاه‌ها چگونه است؟)

شکل ۱: الگوی مفهومی برابری کیفیت مهارت‌آموزی دانشگاه‌ها



ویژگی‌های الگو

- ۱- در بعد مراحل، نگاه سیستمی به دانشگاه‌ها مدنظر بوده است. به طوری که مراحل سه گانه به صورت زنجیره وار و سلسله مراتبی با هم مرتبط هستند.
- ۲- فرایند دارای پهنه وسیع تری هست. به عبارتی وظیفه اصلی دانشگاه‌ها جهت برابر نمودن مهارت‌های دانشگاهی، به عهده مرحله فرایند است.
- ۳- اتمام واحدهای درسی و گذراندن آنان در دانشگاه، به معنی کسب تخصص و مهارت نیست. می‌بایست در مرحله خروج در خصوص میزان اکتساب مهارت‌ها فیلترهایی در نظر گرفت.
- ۴- مطابق الگو جهت برابر نمودن کیفیت آموزش مهارت‌ها در دانشگاه‌ها، توجه به مرحله بعد از خروج نیز حائز اهمیت است. بسیاری از تجارب کاری و ازدیاد تخصص‌ها در مرحله بعد از شروع به کار صورت می‌پذیرد.

بحث و نتیجه گیری

موضوع نابرابری‌های آموزشی موضوع وسیعی است که همواره از ابعاد مختلف به آن نگریسته شده است و تحقیقات فراوانی در این زمینه انجام شده است. دانشگاه‌ها اگرچه به صورت غیر مستقیم به سمت برابر گرایی گام برداشته‌اند اما اقدامی به صورت مستقیم همراه با سیاستگذاری و برنامه ریزی صورت نگرفته است. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده بسیاری از اعضای هیات علمی و صاحب نظران معتقد بودند نابرابری‌های آموزشی در بسیاری از دانشگاه‌ها به صورت روشن و واضح وجود دارد. نتایج در دو بعد مراحل سیستمی کیفیت آموزش مهارت‌ها و شاخص‌های برابری کیفیت آن قابل بررسی است.

الف_ مراحل برابری کیفیت آموزش مهارت‌ها

به منظور کاهش نابرابری‌های کیفیت آموزش مهارت‌ها به سه مرحله اثر گذار در آموزش عالی می‌توان اشاره کرد. این مراحل شامل مرحله فرایند، خروج و بعد از خروج از دانشگاه‌ها می‌باشد. اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، بیشترین تفاوت‌های بین دانشگاه‌های کشور را در مرحله فرایند می‌دانستند. اغلب اظهار داشته‌اند جذب دانشجو از طریق کنکور یا بر اساس سوابق تحصیلی خود عامل نابرابری است. مسلم است که دانشجویان با انگیزه‌ها، علائق،

استعدادها و اهداف متفاوتی وارد آموزش عالی می شوند. این تفاوت ها از طریق مرحله ورود و برگزاری کنکور تا حدودی تحت کنترل قرار می گیرد. اما طی سالهای اخیر همه افرادی که در کنکور سراسری شرکت کرده اند با هر نوع تفاوت و نابرابری آموزشی وارد دانشگاه ها (بدلیل وجود ظرفیت بالای پذیرش) شده اند. به دلیل این ناهمگونی آموزش در دانشگاه ها در مرحله فرایند، سخت تر و مهم تر می شود. تفاوت در فرایندهای یادگیری - یاددهی نظیر برنامه درسی، امکانات آموزشی و ارزشیابی موثرترین عامل نابرابری بین دانشگاه هاست. در مرحله خروج می توان با توجه به میزان رضایت دانشجو و استاد از میزان یادگیری های دانشگاهی، در صورت نرسیدن به حد لازم جهت یادگیری مهارت و در صورتی که تشخیص داده شود مهارت لازم در دروس عملی برای دانشجوی ایجاد نشده است؛ می توان از طریق دروس تکمیلی و مهارتی، نواقص آموزش های مرحله فرایند را جبران نمود. صاحب نظران معتقد بودند تفاوت در مرحله بعد از خروج ناشی از تفاوت در مراحل قبلی می باشد. لذا اشتغال دانش آموختگان، کار آفرینی و اشتغال زایی، داشتن دانش و مهارت کافی جهت جذب بازار کار و رضایت کارفرما نشأت گرفته از میزان نابرابری های آموزشی مراحل قبلی است.

ب: شاخص های برابری کیفیت آموزش

در خصوص شاخص ها، اعضای هیات علمی دانشگاه ها شاخص برنامه درسی مناسب را مهم ترین علت نابرابری در کیفیت آموزش بیان نمودند. تفاوت ها به لحاظ میزان کمیت و کیفیت برنامه درسی مناسب با رشته تحصیلی، روش تدریس متناسب با مهارت و ایجاد فرصت های واقعی کار بین دانشگاه های مختلف قابل تامل و توجه است.

دومین شاخص در بحث نابرابری های آموزشی دانشگاه ها، تفاوت در بحث امکانات آموزشی است. هر چقدر امکانات و تجهیزات آموزشی نظیر کتابخانه، اینترنت، آزمایشگاه ها و ابزار و آلات مهارتی بیشتر باشد، میزان مهارت کسب شده عمیق و بهتر خواهد بود که از این جهت بین دانشگاه های مختلف، تفاوت و نابرابری وجود دارد. به عبارتی، هر چقدر سرمایه گذاری در این شاخص بیشتر باشد؛ خروجی های دانشگاه به لحاظ برخورداری از آموزش با کیفیت و رسیدن به سطح دانش و مهارت های تخصصی بهتر خواهند بود.

ارزشیابی دقیق بدین معنی که نابرابری های کیفیت آموزش مهارتها در دانشگاه ها گاهی متاثر از نابرابری ارزشیابی هاست. به عبارتی بنیه علمی در دانشگاه ها متاثر از ارزشیابی دقیق و درست بخصوص در بحث مهارت هاست که می بایست طبق گفته صاحب نظران در اغلب موارد به

صورت ملاک مطلق باشد نه هنجاری. یادگیری بسیاری از مهارت‌ها نیازمند رسیدن به همه الزامات آن است که در سایه ارزشیابی ملاکی قابل تحقق است نه ارزشیابی هنجاری.

رضایت در مرحله تحصیل به دو دسته رضایت استاد از آموخته‌های دانشجوی و رضایت دانشجو از یادگیری‌های دانشگاهی می‌باشد. نابرابری‌های کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها منجر به تفاوت در رضایتمندی دانشجویان و اساتید می‌شود. در صورتی که دانشجو و استاد در مرحله خروج از رضایت کافی برخوردار نباشند، می‌توان یادگیری مهارت‌ها را از طریق آموزش‌های تکمیلی و مهارتی دنبال نمود تا آموزش دانشجو به مرحله‌ای از یادگیری در حد انتظار برسد. این آموزش‌ها به خصوص به صورت عملی و مهارتی مورد نیاز اغلب دانشگاه‌هایی است که به نوعی نتوانسته‌اند در حین تحصیل دانشجو، حق مطلب را ادا کنند لذا دانشجو به مهارت کافی که لازمه یک دانش آموخته آکادمیک است نرسیده است. اغلب اعضای هیات علمی به این نکته اشاره کرده‌اند که جهت برابر نمودن کیفیت آموزش مهارت‌ها، می‌بایست نواقص دوره تحصیل را در مرحله خروج از دانشگاه جبران نمود.

اشتغال از عواملی است که اغلب بر اساس نابرابری‌های آموزشی دانشگاه‌ها شکل ناموزونی به خود می‌گیرد. در دنیای رقابت، بازار کار و محیط‌های آن، ارتقا و درآمد بالاتر به افراد دارای تخصص و مهارت بیشتر تعلق می‌گیرد. هر چقدر میزان دانسته‌ها، اطلاعات و مهارت‌ها بیشتر باشد وضعیت اشتغال به لحاظ مرتبط بودن رشته تحصیلی با شغل، رضایت شغلی و سطح درآمد بهتر خواهد بود. البته که همواره برای دانش آموختگان دانشگاهی، شرایط اشتغال مناسب فراهم نیست. لذا اشتغال زایی و کارآفرینی از جمله مواردی است که به منظور ایجاد کیفیت در مهارت‌ها و حفظ تخصص‌های اکتسابی دانشگاهی مورد نیاز است. دانشگاه‌ها در این زمینه، همچنان بعد فارغ التحصیلی افراد می‌توانند نقش موثری داشته باشند. پشتیبانی علمی و همراهی دانشگاه با فارغ التحصیلان و همچنین حمایت‌های معنوی و مادی دولت نقش به‌سزایی در افزایش کیفیت مهارت‌ها و کاهش نابرابری‌های آموزشی در مناطق محروم و غیر محروم دارد.

از شاخص‌های دیگری که مورد توجه صاحب‌نظران و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها بود شاخص رضایت کارفرما می‌باشد. بسیاری از نواقص یادگیری‌های دانشگاهی در مرحله اشتغال به کار نمود پیدا می‌کند. چنانچه کارفرما در خصوص مهارت‌های فرد مستخدم رضایت نداشته باشد از طریق ارتباط با مراکز دانشگاهی می‌تواند نوع مهارت مورد نیاز را یادآوری کند تا در آموزش‌های در حال اجرای دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد. شاخص آخر جهت برنامه‌ریزی کیفیت مهارت‌آموزی دانشگاه‌ها، آموزش حین کار است که به عقیده بسیاری از مصاحبه

شوندگان ، مراکز دانشگاهی می توانند این آموزش ها را به عهده بگیرند و در واقع مفهوم ارتباط دانشگاه با صنعت به نوعی محقق شود .

با توجه به نتایج یافته ها ، پیشنهاد می گردد :

به مدیران و روسای مراکز و واحدهای دانشگاهی که در نقاط دور دست ایران مشغول به خدمت هستند پیشنهاد می گردد موسسات زیر نظر خود را با شاخص های نه گانه در این پژوهش منطبق نمایند.

- تدوین برنامه درسی مناسب جهت افزایش کیفیت مهارت آموزی و کاهش نابرابری های آموزشی بین دانشگاه ها به عنوان اولین شاخص که مستقیماً روی کیفیت آموزش اثر می گذارد .

- توجه به مرحله فرایند به عنوان اصلی ترین و پربارترین مرحله جهت برابر نمودن کیفیت آموزش و ایجاد شرایط لازم در این مرحله به منظور کاهش شکاف آموزشی دانشگاه ها .

- توجه به رسالت و هدف اصلی دانشگاه ها که همان تامین نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز جامعه است . بدین معنی که صرف گرفتن مدرک دانشگاهی منجر به توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جامعه نمی شود مگر اینکه دانشگاه ها از شرایط و شاخص های استاندارد و اولیه برابر ، جهت پرورش نیروی انسانی توانمند برخوردار باشند.

- در بسیاری از مراکز و واحدهای دانشگاهی در نقاط دور دست ، علی رغم استقرار رشته تحصیلی ، امکانات و تجهیزات منطبق با رشته تحصیلی به خصوص از نوع مهارتی وجود ندارد . به سیاستگذاران آموزش عالی ، پیشنهاد می گردد قبل از استقرار رشته های تحصیلی در مراکز آموزش عالی ، امکانات آموزشی مورد نیاز را تامین کنند .

منابع

- ابوالقاسمی، ابراهیم؛ زارعی زوارکی، اسماعیل؛ عابدزاده، محمدرضا. (۱۳۹۵). "مقایسه مراکز یادگیری دانشگاهی در سطح جهانی با مراکز یادگیری در ایران" مجله روان‌شناسی تربیتی، سال دوازدهم، شماره ۴۰
- اورک، جهانبخش. (۱۳۹۴). تبیین و تحلیل مفهوم عدالت آموزشی و دلالت های آن در نظام تعلیم و تربیت ایران. رساله دکتری رشته علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
- پورپاکی، آذر. (۱۳۹۳). بررسی رویکردهای نوین در نظام آموزش و پرورش پویا و موثر. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به نقل از نشریه وزارت آموزش و پرورش، هفته اول، ۴۱-۲۸
- تقوی نیا، منصوره؛ سهرابی، زهره. (۱۳۹۴). مفهوم کیفیت در سیستم آموزش: مطالعه کیفی. مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دوره ۱۲، شماره ۳
- خراسانی، اباصلت. (۱۳۷۸). طراحی الگوی بررسی کیفیت دانشگاه‌های دولتی ایران بر اساس مدل های رایج کیفیت. رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی
- شیرکریمی، جواد؛ بختیار پور، سعید... (۱۳۹۳). ارزیابی نابرابری ها در دستیابی به فرصت های آموزشی: با مطالعه موردی مقطعبانندایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۹۱-۹۰. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ۷ (۲۶) ۵۸-۴۱
- -معروفی، یحیی؛ کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۸). تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش دانشگاهی. نامه آموزش عالی، سال دوم، شماره ۶، ص ۳۷-۹.
- نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). اقتصاد آموزش. تهران: نشر یسپرون
- نیاز آذری، کیومرث. (۱۳۸۳). اعتبارسنجی در آموزش عالی از کلاسیک تا مجازی: همراه با ارائه الگویی جهت اعتبارسنجی نظام آموزش عالی کشور. تهران: فراشناختی اندیشه
- هویدا، رضا؛ مولوی، حسین. (۱۳۸۷). فرایند بهبود کیفیت آموزشی از نظر اعضای هیات علمی استان اصفهان. مجله آموزش در علوم پزشکی، شماره ۸

- Abdella Ahmad, O.A. (2020). *The Effect of Quality of Higher Education system on the compatibility Between the skills of Graduates and the requirements of the labour market in Egypt. A thesis submitted to school of management -cradif metropolition university.*
- Avadhani, Amita . (2020). *Influence of a Higher Education Merger on the faculty and Administrators Quality of Working Lives. A Dissertation Presened in Partial Fullfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy. Grand canyon University phoenix, Arizona.* Baker, J., Lynch, K. (2004) . *Equality: From Theory to Action.* laplgrew.
- BIS .(2013) .*Widening participation in higher education.* London: Department for Business, Innovation & Skills.
- Chesters, J., Watson, L.(2013).*Understanding the persistence of inequality in higher education : Evidence from Australia. Higher Education Research & Deveploment , 28 (2), 198-215*

- Faello , joseph ., Qu , yingge ., Jain , ajeet ., Pomare , Carol ., Shin ,Seungjae.(2018) .
Income inequality : Dose Corporate Income Inequality Parallel Individual Income Inequality ? journal of Accounting and finance , vol 18 No 9
- Gao , Shang .(2015).*The measurement of thertiary education quality in Indonesia through the education production function model and policy recommenations for quality improvement .submitted to the Graduate faculty of School of Education in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy University of Pittsburgh.*
- Harvey , L., Williams , J., Dill , D. (2012) . *Quality in higher education . Routledeg Talor & Franceis Group.*
- Hatamifar , K ., kakoojooybari , A.,& sarmadi,M.A.(2014). *Satisfaction with student servicesat payam Noor university . Quarterly journal of Resrarch and planning in Higher Education . 19(14), 117-139.(in persion)*
- HoareaMcgrath , c., Henham, M .I., Corbett, A ., Durazzi, N. Frearson ,M., Jahta,B., Kamphuis,B.,Katashiro,E.,Brankonic,N.mGuerin,B.,Manville,c
 .&Schweppenstedde,D.(2014). *Higher education entrance qualifications and ExameEurope :a comparison .Brussels : European parliament,5,79-98*
- Izadi, S.,Salehi,E., & Gharebaghi ,M, M.(2008). *The study of students satisfaction whit criteria customer results based on EFQM model. journal of Higher Education of Iran ,V, ۳۰.*
- Jacobs , R.L, Wang, B. (2007) . *Aprppose Interpretation of the ISO 10015 and Implications for HRD Theory and Research. The Ohio State University. USA.*
- Li chia ,yiu . (2010). *Accreditaion and quality assurance of higher education in switzerland, Europe , centre for socio- economic development .*
- Li,L.w.,Mahuteau,S.,Dockery,A.,&Junankar P.N. (2017). *Equity in higher Education and graduate labourmarkt outcomes in Australia. Journal of Higher Education Policy And Management (13)77*
- Mizicaci , F . (2006) . *A systems approach to program evaluation model for quality in Higher education , Quality Assurance in Education volume: 14 , pp 37 -53*
- Pasque, R., Carducci, R., Kuntz, A .k. &Gildersleeve, R. E(2013).*Qualitative in for equity in higher education : Methodological implication ,negotiations and responsibilities. ASHE Higher Education Report, 37(6).San francissco, CA: Jossey_ Bass*
- Prodan, A ., Maxim , E., Manolescu , I. , Arustei , C ., Guta , A . (2015). *Access to higher education: influences and possible implications .7 th International conference on Globalization and Higher Education in Economics and Busness Administration.*
- Rosa , M. J., Tavares , D.&Amaral, A . (2003)."*Institutional Consequences of Quality Assessment"*. *Quality Assurance in Higher Education, VOL . 12 NO. 2,PP. 145 -159.*
- Rozario , S.(2019). *Hieher Education in Bangladesh : An Iquiry into Educational Equity at Notro Dame University Bangeladesh.published by ProQuest LLC.*
- Stamanas, C., Sheskin, M.,&Bloom, P. (2017). *Why people prefer unequal societies. Nature Human Behaviour. Vol 1, Article No. 82.*

- Stensaker , B ., &leiber,T.(2015). *Assessing the organizational impact of external quality assurance :hypothesizing key dismensions and mechanisms . quality in higher education , 21(3),pp. 328-342*
- Tomul , E. (2011) .*Educational Inequality in Turkey : A Evalution Gini Index. Education and Science , 36(160), 133-143*
- Tsinidiu , M , G., &panos ,f. (2010). *Valuation of the factors that determine quality in higher education : quality Assurance in Education, 18(3)*
- Zhu Lincoln , p. (2015).*Educational Equality or Educational Equity Nagoya University of Commerce & Business Administration*